

یاد

برای پر تو مهتدی

جز عشق، چیزی به قلم نمی آید



جمشید ارجمند
منتقد

● برای یادکردن بزرگمردی چون «پرتو مهتدی» به چه ویژگی‌هایی از او باید اشاره کرد. این که... نه هر چه فکر می‌کنم می‌بینم جز «عشق» چیزی به زبان و قلم نمی‌آید. «پرتو» مردی بود که فقط عشق داشت باور کند آنچه می‌گویم از باب جوشش احساس‌ها و عاطفه‌ها نیست. این مرد در بستر مرگ از لیلا دختر مسن قول گرفته بود که مرا به بالینش ببرد. الان از دریغ‌های لیلا این است چرا نتوانسته به این وعده عمل کند. من چه می‌توانستم بگویم و بکنم که تسلیاش باشم؟ خودم نسبت به او یک دریا ندوه و دریغ دارم که نمی‌دانم چگونه و چه زمانی آرام خواهد گرفت. اما گیریم که این آرامش هم فراهم آمد، جای آن دریای عشق و عاطفه را چه کسی و چه جریانی پر خواهد کرد؟ و اصلا پرسشنی است؟ پرتو مهتدی مثل همه مردان مرد محبوب بود و فروتن. از روان پاک و ملکوتی‌اش رخصت می‌خواهم و من باب گلابه بگویم: پرتو-تو جان، مرد نازنین به زندگانت بیش از اندازه مهربان بودی. به قول یک شاعر جوان و کم‌تجربه، بیش از اندازه ز گنجینه دل سکه مهر بدمان کسان می‌پاشیدی»

اما پیرانه‌سر از جوانان می‌خواهم که پر تو مهتدی را بشناسند و عشق و انسانیتش را پاس بدارند. چنان‌که خود او با عشق و حرمت به دوستی بزرگ شد. و نیز اگر دریغی داشته باشم برای این است که چرا نتوانستم چنان‌که حش بود و شایستگی‌اش را داشت دوستش بدارم. توجه کردید که در این چند سطر، در این وچیزه حرفی از روابط فرهنگی‌اش ن‌زدم. حال آنکه پرتو مرد فرهنگ بود. از آن کسی که در بستر مرگ در یک قدمی بی‌فردایی فقط به سودای عشقش به دوستی بیندیشد باید انتظار پاسخی درخور داشت. پر تو نازنین این پاسخ را از ما خواهد گرفت. چیز دیگری نیاز ندارد.

به همه بازماندگانش به‌ویژه دو دختر نازنینش تسلیت می‌گویم.

یادداشت شفاهی

همکار واقعی



ت‌همینه مبانی
کارگردان سینما

● وقتی خبر درگذشت «پرتو مهتدی» را شنیدم بسیار متاثر و شوکه شدم. متأسفانه در هشت‌سال گذشته ما اهالی سینما از هم جدا افتادیم و سیاست‌های وحشتناکی در پیش گرفته شد که سبب شد خانواده سینما منزوی شوند و به سمت فردگرایی بروند. این دوری باعث شد تا من از بیماری مهتدی اطلاعی نداشته و از احوالات او بی‌خبر باشم. به همین دلیل شنیدن خبر درگذشت او برایم وحشتناک بود؛ چراکه او فردی محترم و پر کار بود. ما همکاری خوبی با یکدیگر داشتیم. مهتدی به معنای واقعی همکار فوق‌العادمان محسوب می‌شد. درگذشت ایشان را به خانواده سینما و همچنین خانواده‌وی تسلیت می‌گویم.

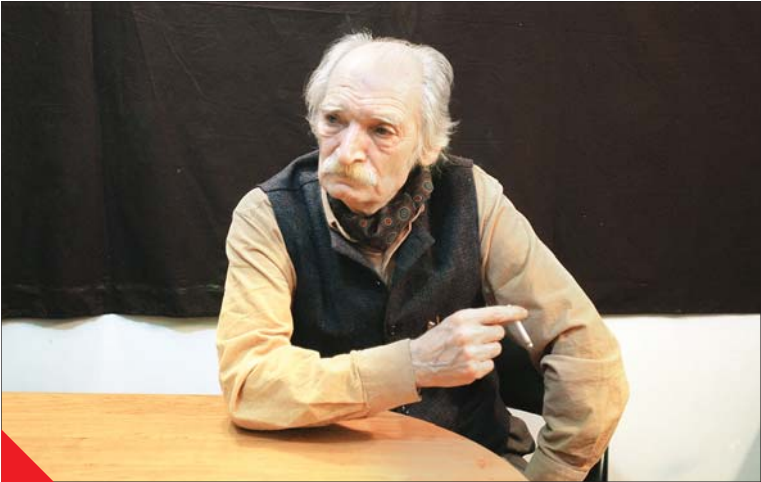
پیشنهاد روز

«سکوت پرواز» بابک گرمچی در «خانه هنرمندان»



● شرق: ۴۷ طرح و تابلوهای مسی و مینایی بابک گرمچی با عنوان «سکوت پرواز» در خانه هنرمندان روی دیوار می‌رود. او که این آثار را در فاصله سال‌های ۱۳۹۲

–۱۳۸۷ طراحی و اجرا کرده است درباره انتخاب نام «سکوت پرواز» می‌گوید: «شاید پرتو نمادی برای پرکشیدن و رهایی از ماندن و بسته شدن بر زمین و رهانشدن از سکون باشد»، به گفته این طراح که بخشی از کارهایش به‌طور دائمی در تالار وحدت به نمایش درآمده است: «در دنیای پرآشوب امروزی ما، که انسان‌ها در پی نابودی هم برآمده‌اند، انسان‌هایی که اسیر افکاری غری از آنچه که باید، شده‌اند، دنیایی نیست که لایق انسان متمدن و امروزی باشد. با مفهوم پرواز بود که می‌توانستم میل به آزادی را نه‌تنها به مفهوم سیاسی بلکه رهایی از بند خوشتن خویش، رهایی از آنچه اسیر ساخته‌های خود شدیم، رهانشدن از سرگردانی و سردرگمی بیان کنم. مهم نیست که پرواز به کدامین سمت‌وسو باشد، همین که پرواز آغاز شود، افق پدیدار می‌شود.» کارهای ارایه‌شده در این نمایشگاه برای نخستین‌بار با روش مس و مینا اجرا شده و در معرض دید بازدیدکنندگان قرار می‌گیرد. زمان بازگشایی این نمایشگاه ساعت ۱۳ تا ۲۱ عصر روز ۱۱ بهمن است و تا ۲۲ بهمن ادامه دارد.



عکس:عباس کوری، شرق

استقبال مخاطبان از کتاب جدید دولت‌آبادی بازار نشر را غافلگیر کرد

پیش فروش ۱۰۰۰ نسخه در چند ساعت

شرق: اگرچه همه در انتظار صدور مجوز برای کتاب «زوال کثل» و «طریق بسمل‌شدن» بودند؛ اما اثری از محمود دولت‌آبادی با صدا و نوشتاری از نویسنده و بر اساس تاریخ بیهقی وارد بازار کتاب شد. دولت‌آبادی چندین سال است که در کنار نوشتن متون جدید بر متون کهن نیز متمرکز شده و بعد از شاهنامه فردوسی به سراغ دو همشهری‌اش ابوالفضل بیهقی و حسنک وزیر رفته و داستان معروف حسنک وزیر را بازنویسی کرده است؛ کتابی که به گفته ناشر آن از زمانی که خیرش در «ایسنا» منتشر شد، بیش از هزارنسخه آن فروش رفته است. مدیر فروش انتشارات فیروز ی در گفت‌وگو با «شرق» با بیان این مطلب گفت: «از آنجایی که کتاب تا زمان رونمایی در بازار عرضه نمی‌شود، فعلا تنها‌نمایدگی فروش کتاب سایت انتشارات است کسانی که علاقه‌مند به تهیه آن باشند، می‌توانند در سایت آن را با تخفیف ۱۰ درصد خریداری کنند». به گفته مسوولان انتشارات فیروزی با رویه پیش‌فروش کتاب به‌نظر می‌رسد که این کتاب و نوار تا پیش از رونمایی احتمالا در اسفند به چاپ دوم برسد. به گزارش «ایسنا» با‌خوابانی دولت‌آبادی از «وزیری امیر حسنک» و وزارت کلاسیک در ایران با سرصل‌هایی همچون: مقدمه، وزیری امیر حسنک و ذکر بردار کردن حسنک وزیر همراه است. نسخه صوتی این اثر نیز به این موارد می‌پردازد: وزیری امیر حسنک، گفتار سالار حاجب علی قریب درباره آنچه با آمدن مسعود به‌عنوان زمینه وقایع پیش‌رو رخ خواهد داد، داستان حسنک، ذکر بردار کردن و پایان داستان بردار کردن جعفر برمکی. دولت‌آبادی انجام این کار را ادای دین به ابوالفضل

بیهقی می‌داند و درباره شکل‌گیری این کار به ایسنا گفتند: «آمدن پیش من که می‌خواهم همان‌طور که نیشابوری‌ها مجسمه عطار و خیام دارند، مجسمه شما را هم بسازیم، گفتم نمی‌خواهم سنگ شوم. گفتند برایتان در سبزه‌وار و در جای خانه قبلی خانه بسازیم، گفتم اگر قرار بود خانه‌ای آباد باشد، خراب نمی‌شد. پرسیدم چرا روی بیهقی کار نمی‌کنید؛ او که استاد نثر پارسی است. در نتیجه با توجه به وضعیت امروز که همه چیز صوتی و تصویری است، پذیرفتم بخش‌هایی از بیهقی را بچوانم و از آنجا که حسنک در دانشگاه‌ها معرفی شده و مردم بیهقی را با او می‌شناسند، این داستان را انتخاب کردم». با فرض دشوارخوان‌بودن بیهقی، به نظر می‌رسد دولت‌آبادی با این اقدام خود، می‌خواهد به کسانی که خواندن کتاب بیهقی را دشوار می‌دانند، نشان دهد که خوانش این کتاب، چندان، دشوار نیست و در عین حال، کتاب بیهقی را به جوانان معرفی کند.

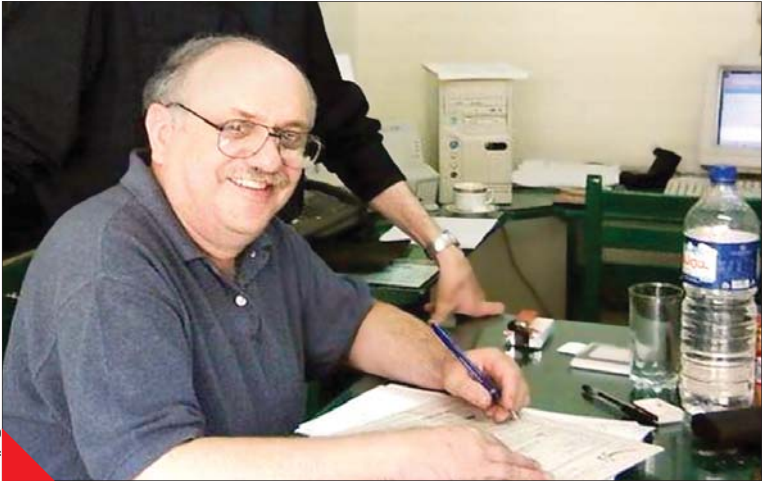
دولت‌آبادی بر این کتاب، مقدمه کوتاهی درباره انتخاب «تاریخ بیهقی» با ویرایش علی‌اکبر فیاض و نسخه ویرایش محمدجعفر باقعی و مهدی سیدی نوشته است. مجموعه «وزیری امیر حسنک» در قالبی نفیس با قیمت ۲۹هزار تومان از سوی انتشارات فیروز ی منتشر شده و علاقه‌مندان می‌توانند برای خرید آن به سایت انتشارات http://firoozipress.com مراجعه کنند. دولت‌آبادی در چند سال گذشته کتاب زوال کثل را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارایه کرد و نتوانست مجوز نشر بگیرد. این کتاب در آلمان و آمریکا منتشر شده است و تاکنون چند جایزه دریافت کرده است.

در حاشیه دومین نمایشگاه انفرادی «روز به روزبهرانی»

شهر، صدا و سکوت



ریتیمیک زندگی مدرن خبری نیست. برعکس این نگاه، سوزوها و فیگورهای روزبه روزبهرانی آکنده از جزئیات است. نمی‌خواهد به‌زور معنایی را منتقل کند. غرق می‌شود در چهره‌ها. سعی می‌کند همراهشان شود تا ببیند، خود آنها چه می‌گویند. حرف نوی دهشتان نمی‌گذارد. شاید به یک معنا اعتقاد ندارد هنر یعنی «بخشیدن صدا» به بی‌صدایان و له‌شدگان و نادیده‌گرفته‌شدگان. بخشیدن صدا در کار نیست، هرچه هست تلاشی است برای یک «مکالمه» و «گفت‌وگو»ی جاندار و ارزشمند. مسلمان «مردم» نیز حرفی برای گفتن دارند. می‌توانیم به حالت دست‌ها و چشم‌ها و پیکرها نگاه کنیم و «حرف دل» مردم



عکس:ایسنا

مهتدی، مترجم و منتقد سینما در گذشت

پرواز «پرتو»

محمد تاجیک: پرتو مهتدی، مترجم و منتقد سینما شامگاه هفتم بهمن درگذشت. این منتقد و مترجم قدیمی سینما که مدتی به دلیل سرطان کبد در بیمارستان تهران است پیکر پرتو مهتدی، امروز چهارشنبه ساعت ۹ صبح از خانه سینما تشییع شود. قرار بود چندی قبل و در هفتمین جشن انجمن منتقدان سینمای ایران، از سال‌های فعالیت پرتو مهتدی با حضور وی تقدیر شود که او به دلیل بیماری نتوانست به این مراسم بیاید اما بزرگداشت او برگزار شد. در این مراسم، طهماسب صلح‌جو رئیس انجمن منتقدان سینما درباره او گفت: «همین پرتو مهتدی با عشق سینما زندگی کرد، اما از سینما هیچ چیز عایدش نشد و امثال آن کم نیستند. پس باید بگویم به ضیافت عشق خوش آمدید». پرتو مهتدی که به دو زبان انگلیسی و فرانسوی مسلط بود، سابقه همکاری با مجلات «فیلم» و «دنیای تصویر» را داشت و سال‌ها دبیرسرویس سینمایی جهان هفته‌نامه سینما بود. مهتدی همچنین سال‌ها با بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر همکاری کرد. مهتدی در دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ در چند پروژه سینمایی از جمله «جدال»، «خانه ابری»، «صعود»، «گلنار»، «زیر بام‌های شهر»، «دست‌مزد»، «سیرک بزرگ»، «پچه‌های طلاق» و «مدرسه پیرمردها»، به‌عنوان منشی صحنه یا دستیار کارگردان حضور داشت. «اسکارت»، «غریبه»، «چشم به راه»، «در پناه عشق» و «عشق دوباره»، از جمله کتاب‌هایی است که او به فارسی ترجمه کرده است. مرحوم مهتدی در چند سال گذشته چندان فعال نبود و بیشتر در ویرایش متون به شاگردانش کمک می‌کرد. مهتدی مطبوعاتی پیگیر و عاشق سینما بود که در

را از لایله‌ی آنها بخوانیم. باید با ریتم زندگی شهری همراه شد و پایه‌بایش رفت، نه آنکه از دور و بافاصله، مصداقه به مطلوب کرد و همان چیزهایی را دید که چشم غریبی دوست دارد از زندگی در شهرهای ایرانی ببیند. مناره‌های مسجد چادر و صحنه قربانی کردن گوسفندان، «تحریف» جایی در یک مکالمه درست‌وحسابی ندارد. باید صادق بود و صادقانه دست روی شاتر گذاشت. روزبه روزبهرانی با وجود یک جور «شاترزدگی» و گرایش گاه زاید به هندسه مطلوب عکاسان مطرح دهه ۶۰ میلادی، از آزمون خطیر صداقت، کمابیش سربلند بیرون می‌آید. او باید در مجموعه‌های بعدی، پیش‌فرض‌های کهنه بصری را کنار بگذارد. از هندسه فرمالیستی دور شود و جزئیات واقعیت را با سیالیت زندگی شهری و روح رمنده و فرار آن در هم بیاویزد.

میان اندوه و گشایش روحی، مرزی باریک است. راه‌رفتن روی این مرز باریک و ثبت آن، کار هرکسی نیست. روزبهرانی برای رسیدن به ایده «گفت‌وگو» و «چندصدایی» از دو تمهید ویژه کمک می‌گیرد: یکی دعوت از دو موزیسین جوان و نوگر برای آرایه قطعه‌ای با حال‌وهوای نزدیک به عکس‌هاست که عجیب هم خوش می‌شنیند و ببینند را هم‌زمان به شنونده تبدیل می‌کند. دیگری قاب بزرگ چندلتی و رنگی از مجموعه‌ای از زنگ‌های درب خانه‌هاست. این قاب در کنار عکس‌های تکلتی و سیاه‌سفید از همه‌همه و جمعیت، معنای دیگری می‌یابد. زبانشناسی سکوت در کنار هیاهوی شهر. تکرنگ تا بلند می‌شود قطع می‌شود، اما صدای شهر هیچ وقتی پایان نمی‌گیرد. انگار تا ابد جریان دارد. هر دو این تمهیدات در به‌ثمرن‌نشتن ایده اصلی که «مکالمه» به جای «بخشیدن صدا» است، نقش مؤثر دارند. روزبهرانی از نسل عکاسان جوانی است که می‌خواهند به جای نگاه خیره به غرب، از منظری «درونی» به سویه‌های مختلف زندگی ایرانی نگاه کنند. باید ببینیم او برای آینده چه چیزی در چتته دارد.

نوبت دوم

ع/م ۳۰/۲/۹۲

موضوع: مناقصه عمومی دو مرحله ای مربوط به خرید اسپلیت و پکیج

شرکت بهره برداری نفت و گاز غرب در نظر دارد قلم کالایی فوق را جهت استفاده در منطقه چشمه خوش با مشخصات

و شرایط زیر از طریق برگزاری مناقصه عمومی خریداری نماید .

شرح مختصر کالا یا مواد مورد نیاز :

کولر اسپلیت دیواری دو تکه
شرایط آب و هوایی : تروپیکال (T۳)
دارای کمپرسور پیستونی
سرمایشی : BTU۳,۰۰۰BTU۲,۴۰۰BTU۱۸,۰۰۰
پکیج : BTU۱۰,۰۰۰



شرکت نفت مناطق مرکزی ایران

شرکت بهره برداری نفت و گاز غرب (سهامی خاص)

ضمانت نامه شرکت در مناقصه مبلغ ۶۰/۹۰۰/۰۰۰ریال می باشد و ۲۵٪پیش پرداخت به برنده مناقصه در قبال ارائه ضمانت نامه بانکی قابل پرداخت خواهد بود.

ضمنا ارائه شناسه ملی کالا (ایران کد) برای کلیه کالاهای موضوع مناقصه الزامی است .

متقاضیان دارای شخصیت حقوقی جهت دریافت اسناد ارز یابی کیفی می توانند حداکثر تا ۷ روز پس از نشر آگهی نوبت دوم نسبت به ارسال نامه اعلام آمادگی

از طریق پست الکترونیک رسمی به آدرس WOGPC@CHMAIL.IR اقدام نمایند .در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر نیز می توانند به آدرس کرمانشاه

، میدان نفت ، بلوار زن ، پلاک ۴۲ ، شرکت نفت و گاز غرب ، اداره تدارکات کالا مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۲۷-۸۳۷۰۰۷۲ داخلی ۱۴۳ تماس حاصل فرمایند .

روابط عمومی شرکت بهره برداری نفت و گاز غرب- WWW.WOGPC.IR

چهره روز

حاتمی کیا در جمع فرزندان شهید:

«شوار تزنگر» هم باشم

نمی‌توانم از موانع بگذرم



● شرق: ابراهیم حاتمی کیا در جمع فرزندان شهید گفت حرف‌های بسیار عمیق از جامعه انقلابی و آرمانی را می‌توان از دوران خانواده‌های شهیدا گفت اما لایه‌های تکراری و کلیشه‌شده، مانع چنین امکانی است. عصر دوشنبه، هفتم بهمن ابراهیم حاتمی کیا، کارگردانی که بیشتر فیلم‌هایش به موضوع دفاع مقدس اختصاص دارد، با خانواده و فرزندان شهیدانی همچون باکری، جولایی، رستگار، تندگویان، مرقاطی، نامجو، همت، آزما، تهرانی مقدم، زین‌الدین، کشوری، نجفی و... در موسسه سینمایی اوج دیدار کرد و از سبوی آنها مورد تقدیر قرار گرفت. او که تحت تأثیر این فضا قرار گرفته بود، در بخشی از این مراسم گفت: «سخت است که در این فضای کاملاً حسی سخن بگویم. می‌خواستم متنی آماده کنم اما تصمیم گرفتم با الهام از همین فضا، صحبت کنم»

حاتمی کیا سپس به برخوردهایی که با او می‌شود، اشاره کرد: «بعضی‌ها به من می‌گویند که تو فقط از جهاد و جنگ بگو اما من نیز مانند بقیه فرزند و خدا دارم. قرآن می‌خوانم و طغیان بشریت را علیه خداوند می‌بینم، آرام می‌بینم و باید از آن سخن بگویم. ممکن است «گزارش یک جشن» را بسازم تا در تاریخ این مملکت ماندگار شود حتی با اینکه بسیاری از دوستان خوششان نباید اما در مقابل بسیاری هم خوششان می‌آید»

کارگردان «ارتفاع پست» با بیان اینکه این نشست دیر هنگام برگزار شده است، ادامه داد: «با اینکه این نشست دیر هنگام شکل گرفته است اما من بی‌گناهم. من با تکت‌ک شما به انواع متفاوت ارتباط داشته‌ام اما نگهبان بالای سر شما، چیزی به نام نباید شهید که اصلا نمی‌دانم در حال حاضر مسوولش چه کسی است و منظوم خدای ناکرده بحث سیاسی نیست، اما حرف‌های بسیار عمیق از جامعه انقلابی و آرمانی از درون خانواده‌های شهیدا می‌توان گفت که فکر می‌کنم لایه‌های تکراری و کلیشه‌شده امکان گفتن را از ما می‌گیرد. تنگنای که فکر می‌کنم باید به سمت این موضوع بیاایم احساس می‌کنم که اگر «آرنولد شوار تزنگر» «ترمیناتور» هم باشم نمی‌توانم به راحتی از این موانع بگذرم»

همچنین در بخشی از این برنامه علی کشوری، فرزند شهید کشوری که فیلم مستندی نیز ساخته است، از حاتمی کیا پرسید: «چرا کسانی که براساس مستندات تاریخی فیلم می‌سازند فریاد فرزندان و خانواده‌های شهیدا را در می‌آورند. اتفاقی که برای «سینما» یا «شوق پرواز» افتاد و در فیلم «ج» هم به نوع دیگری رخ داد»

حاتمی کیا نیز در پاسخ این پرسش عنوان کرد: «اگر معترض هستید که حق مطلب درباره «ج» ادا نشده یا باید یاد دیگر مرور تاریخی شود باید بگویم که من خیلی جرات کردم درباره چمران فیلم ساختم. واقعه‌هایی که در انقلاب رخ داد بسیار پیچیده است و من تیرم را رها کردم. اما شما گفتید که سینماخواندید فیلم‌ساز هستید و من امین‌وارم زنده بمانم و فیلمی را که درباره پدرتان می‌سازید ببینم. اولین مأموریتی که باید خودتان به خودتان بدهید همین است. چه کسی بهتر از شما برای گفتن این حرف‌ها هر چه جلوتر بروید متوجه می‌شوید که چه عالم پیچیده‌ای است. تلاش ما همین مقدار بود.»حاتمی کیا در سی‌و دومین جشنواره فیلم فجر در حالی که فیلم گزارش یک جشن همچنان بلاتکلیف دارد با فیلم «ج» قصد رقابت در بخش مسابقه سینمای ایران را کرده است.